

ونزوئلا، و اشتهای ویرانگر نئوکان ها

ترجمه علی قره چه لو *

10 فوریه 2019

استعمارگران اروپایی و بومیان آمریکا

بومیان آمریکا از سال 1492 در معرض استیلاء و استعمار کشورهای اروپایی بوده اند. آنها ابتدا از طرف اسپانیایی ها و سپس از طرف استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در معرض قتل عام های سیستماتیک قرار گرفتند. خلق های، اینکا، چروکی، سیویو، آزتک، سمینول، کومانچی، و صدها خلق دیگر سرخپوست جزئی از آنها بودند.

اسپانیایی ها با پخش پتوهای آلوده به امراضی چون وبا، آبله، تب، موجب مرگ میلیون ها بومی گردیدند. در واقع آنها، اولین نمونه جنگ شیمیایی را به نمایش گذاشتند. کشیش "بارتلمو دی لاس کاساس" (1552) در اثری که قتل عام بومیان آمریکایی را شرح می دهد، می نویسد:

"صرفاً بخاطر تفریح، و بدون تمایز زن و مرد، در مناطق مختلف، دست ها، گوش ها و دماغ مردم بومی را می بریدند. من با چشمان خود شاهد زنده بودم. کودکان شیرخواره را از مادران گرفته، و در خصوص پرتاب آنها به مسافت دورتری با هم رقابت می کردند..." (1)

کابوی های آمریکایی با کشتن هر Bison (نوعی گاو وحشی) از دولت پول می گرفتند، بدین وسیله خلق های سرخپوست آمریکای شمالی را محکوم به گرسنگی می کردند. حکومت آمریکا، به هرکسی که پوست سر سرخپوستی را می آورد 5 دلار جایزه می داد. فرمانده آمریکایی "پرشینگ" Pershing می گفت، "بهترین سرخپوست، سرخپوست مرده است." زنان و کودکان بومیان بدون استثناء در جنگ ها قتل عام می شدند. اگرچه تعداد کشتگان بومی هیچ وقت معلوم نشد، ولی تخمین زده می شود که بین سال های 1886 - 1492 حدود 70-20 میلیون بومی به قتل رسیده اند. این نسل کشی بعد از سال های 1886 به اشکال مختلفی ادامه داشته است.

ونزوئلا بولیوار

اولین قیام علیه استعمارگران در آمریکای لاتین بوسیله "سیمون بولیوار" سازماندهی شد. بولیوار در سال 1782 در پایتخت ونزوئلا، کاراکاس، در یک خانواده اشرافی دنیا آمد، او تمام ثروت خانواده خود را که از معادن طلا و مس بدست آمده بود، صرف انقلاب کرد. بولیوار، اگر چه اشراف زاده، و از تبار استعمارگران بود، ولی یک جمهوری خواه، و یک انقلابی بود. بولیوار از متفکرینی مانند لاک، هابز، و هامبولت تاثیر پذیرفت، و قیام مردم ونزوئلا علیه استعمارگران را رهبری و استعمارگران را از کشور بیرون راند. لقب اش "ناجی" El Libertador بود. در آخرین جنگی که بین استعمارگران اسپانیایی و ارتش آزادیبخش ونزوئلا بوقوع پیوست (1824) اسپانیا مجبور شد تا استقلال ونزوئلا را برسمیت بشناسد.

بولیوار نه تنها ونزوئلا، بلکه یاران نزدیک او توانستند کلمبیا - پرو را نیز از استیلاء استعمارگران اسپانیایی آزاد سازند. بدنبال آن بولیوی و اکوادور نیز آزاد شدند. ایده آل بولیوار تشکیل اتحادیه آمریکای جنوبی بود. ولی استعمارگران اروپایی نیز بیکار نمی نشستند. بولیوار در سال 1830 از بیماری ورم درگذشت.

جای پای اسپانیایی ها را آمریکا پر می کند

از اواخر سال های 1800 استعمارگران آمریکایی جای پای اسپانیا را پر کردند. تجارت استعماری، حکومت های استبدادی، سرخپوستان گرسنه و بیمار، کودتاها، جنگ های داخلی، مواد مخدر و تروریسم ابزارهای جدید استعمارگران آمریکایی برای تسلط بر آمریکای لاتین بودند. ولی روح انقلابی سیمون بولیوار هنوز زنده بود. انقلاب مکزیکی (1910)، انقلاب کوبا (1959) نشانه های بارز آن بودند. دوران اراده ی خلق، یعنی رژیم جمهوری، که با انقلاب

فرانسه (1789) آغاز شده و در وجود سیمون بولیوار تجسم یافته بود، اینبار در وجود "هوگو چاوز" (1998) تجسم می یافت.

چاوز، یک سوسیالیست بود، ولی عشق و احترام عمیقی نسبت به بولیوار قائل بود. بویژه زمانی که در سال های 1990 استعمار نئو لیبرال آمریکایی خلق های آمریکای لاتین را به فقر و فلاکت می کشید. انقلاب بولیواری با چاوز دوباره به ونزوئلا بازگشت. چاوز به حکومت های دست راستی و اقتصاد استعماری در ونزوئلا نقطه پایانی گذاشت. او با ایده آل های سوسیالیستی خود بخاطر بهبود شرایط زندگی مردم فقیر و گرسنه تلاش کرد. چاوز، زمانی که یکی از بزرگترین منابع نفت دنیا را ملی کرد، در تخته هدف آمریکا قرار گرفت. چاوز در سال 2001 تمامی بخش های صنعت نفت ونزوئلا را که شامل عملیات اکتشاف، تولید و فروش نفت می شد تحت کنترل دولت ونزوئلا درآورد. با این اقدام تمامی حساب های سرمایه گذاری های شرکت های نفتی بزرگ بین المللی را که در ونزوئلا فعال بودند مانند: BP, Chevron, CNPC, Conoco, Exxon, Petronas, Respol, Statoil, Total زیر و رو کرد.

آمریکا بلافاصله با اقدام به کودتای نظامی در سال 2002 علیه چاوز عکس العمل نشان داد. چاوز دستگیر و زندانی شد، ولی مردم ونزوئلا به خیابان ها ریخته و قیام کردند. چاوز آزاد و این بار با قدرت بیشتری حکومت خود را تحکیم کرد. چاوز به کوبای کاسترو نفت داده و از کوبا دارو و پزشکی وارد می کرد. او در محلات فقیر نشین درمانگاه، مدارس، و مراکزی برای تامین مواد غذایی تاسیس می کرد. در هر انتخاباتی 70% آرا را بدست می آورد. نهایتاً در سال 2013 به شکل مشکوکی از بیماری سرطان زندگی خود را از دست داد. ولی طالع معکوس ونزوئلا هنوز پایان نیافته بود. زیرا، بزرگترین تحریم های اقتصادی در انتظار جانشین چاوز، مادورو بود.

ونزوئلا، اولین هدف آمریکا

در سال 2014 آمریکا به بهانه کاربرد خشونت علیه تظاهرکنندگان در ونزوئلا، تحریم اقتصادی علیه حکومت مادورو را آغاز کرد. تحریم های اقتصادی از یک طرف، و سقوط سریع قیمت نفت در بازارهای جهانی از طرف دیگر، فروپاشی اقتصاد ونزوئلا را که نزدیک 95% آن وابسته به صدور نفت است، تسریع کرد. تحریم های آمریکا امکان تنفس اقتصادی ونزوئلا را سلب کرد، تا جایی که میزان تورم از مرز صد در هزاران را گذشت. میزان مرگ و میر در میان کودکان به مرز وحشتناکی رسید. (2) حکومت بر اثر تحریم ها قادر به واردات دارو نبود. آمریکا که توانسته بود با تحریم اقتصادی حکومت مادورو را تضعیف کند، چندین بار اقدام به سوقصد علیه مادورو کرد. از طرف دیگر، ترامپ و حکومت دست راستی و طرفدار آمریکا در کلمبیا، آغاز به تحریکات نظامی علیه ونزوئلا کردند. چنانکه ترامپ اعلام کرد، " در صورت لزوم مداخله نظامی هم جزو دستور کار آمریکا در ونزوئلا است." در کنار کلمبیا، روی کار آمدن Jair Bolsonaro در برزیل که یک دست راستی تمام عیار است، تحریکات و توطئه های آمریکا علیه ونزوئلا به اوج رسید. مافیای نئوکان در آمریکا که در سوریه با شکست کامل روبرو شده و مجبور به عقب نشینی شده است، اکنون چشم به منابع بیکران نفت ونزوئلا دوخته و این کشور را طعمه آسانی تلقی می کند. (3)

آمریکا از آنجائی که نتوانست با کودتا حکومت مادورو را ساقط کند، با زیر پا گذاشتن همه قوانین و نورم های بین المللی، رئیس مجلس "خوان گوایدو" Juan Guaido را بعنوان "رئیس دولت موقت" اعلام کرد! گوایدو در 13 ژانویه بازداشت شد. ولی جان بولتون مشاور امنیتی ترامپ بلافاصله گوایدو را بعنوان تنها رهبر مشروع ونزوئلا اعلام کرد.

ونزوئلا، که با بحران اقتصادی عمیقی درگیر است، با تاکتیک های شناخته شده ای به آستانه یک جنگ داخلی سوق داده می شود. به فورمول آمریکا در سرنگونی حکومت مادورو دقت کنید: ابتدا سیاست تحریم و ایجاد بحران اقتصادی و تحمیل فقر و قحطی در کشور، و سپس ایجاد جنگ داخلی، و نهایتاً کودتا و اشغال نظامی و روی کار آوردن دست پروردگان خود. همان تاکتیکی که در عراق و لیبی و سوریه بکار بردند! رهبر ونزوئلا در عکس العمل به اقدامات آمریکا علیه کشورش، طی نامه ای به سازمان ملل، اعلام کرد که کشورش در معرض یک کودتای آمریکایی است. ونزوئلا کشور بی پشت و پناهی نیست، چنان که کشورهای آمریکای لاتین مانند: مکزیک، کوبا، بولیوی، السالوادور، نیکاراگوئه و اوروگوئه به دفاع از حکومت مادورو برخاسته اند. ونزوئلا در سطح جهان نیز از حمایت کشورهای جهان مانند روسیه، چین، ایتالیا، یونان، ترکیه، ایران نیز برخوردار است.

امروز جبهه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، حامیان بین المللی، و داخلی آنها، در ونزوئلا سنگربندی کرده است. مبارزه علیه سیاست استیلا، مستعمره سازی دوباره، غارت و ویرانی کشورها، تنها از مسیر دفاع از حق حاکمیت و استقلال کشورها می گذرد. دنیا، دیگر دنیای سابق نیست، زیرا کشورها و خلق های جهان نتایج ویرانگر مداخلات امپریالیستی را که زیر ماسک مبارزه با دیکتاتوری، و حمایت از "دموکراسی" و "حقوق بشر" پیش برده می شود را بخوبی تجربه کرده اند.

توضیحات مترجم:

* لینک اصل مقاله ی "حسین وودینالی" Hüseyin Vodinalı در "روزنامه آیدینلیک" Aydınlık . مقاله فوق کوتاه شده ی اصل مقاله است. عنوان مقاله و توضیحات از مترجم است.

<https://www.aydinlik.com.tr/trump-ve-neocon-mafya-venezuela-yi-gozune-kestirdi-huseyin-vodinali-kose-yazilari-ocak-2019>

(1) Bartolomeo de las casas, Yerlilerin Gözyaşları / 1552, Yerlilerin Yokedilişinin Kısa Tarihi,

Imge kitapevi, Türkiye, 2009

(اشگ های بومیان، تاریخ مختصر نابودی بومیان آمریکا).

(2) این همان تاکتیکی است که آمریکا قبل از مداخله نظامی و اشغال عراق در سال 2003 بکار برد. بدنبال تحریم اقتصادی عراق، بیش از نیم میلیون کودک عراقی به علت عدم دسترسی به ساده ترین داروهای پزشکی تلف شدند. آمریکا در عین حال این وضعیت را بهانه ای بشر دوستانه تلقی، و مداخله نظامی در عراق را توجیه می کرد. بسیاری از مردم عادی و از جمله برخی از روشنفکران نیز فریب ژست های بشر دوستانه آمریکا را خورده، اشغال و نابودی عراق، و قتل عام بیش از 2 میلیون عراقی را توجیه و یا نظاره کردند!

(3) مایک پومپئو، وزیر خارجه نئوکان آمریکا برای سازماندهی براندازی حکومت مادورو، "الیوت أبرامز" Elliott Abrams را بعنوان نماینده ویژه آمریکا در امور ونزوئلا تعیین کرده است. أبرامز، از زمان رونالد ریگان تا به امروز، کسی است که تمامی فعالیت های جهانی "ضد چریکی" آمریکا را رهبری کرده است. او از طرف ریگان به مقام معاونت وزارت خارجه منصوب، و در زمان بوش پدر و پسر نیز دارای مقامات حساسی در وزارت خارجه آمریکا بود. أبرامز، قبل از اشغال عراق بهانه های اشغال عراق را برای بوش پدر و پسر ایجاد کرد، و جزو معماران اصلی اشغال عراق شناخته می شود. أبرامز، در چهارگوشه جهان فعالیت های ضد چریکی آمریکا را علیه حکومت های مشروع از جمله در السالوادور، گواتملا، هندوراس و نیکاراگوئه آغاز و هدایت کرد. در دوران ریگان با تشکیل "چوخه های مرگ" صدها هزار نفر را در کشورهای فوق به قتل رساند. أبرامز کودتای 2002 علیه چاوز را رهبری کرد. او از معماران اصلی ایران کونترا و در راه اندازی جنگ بین ایران و عراق نیز نقش مهمی بازی کرد. او امروز، در پروژه خونین ونزوئلا دوباره بر مسئولیتی "حساس" گمارده شده است. پومپئو، مسئولیت "بازگرداندن دموکراسی" به ونزوئلا را به عهده أبرامز گذاشته است! أبرامز قرار است از نزدیک با خوان گویادو کار، و احتیاجات وی در براندازی حکومت مادورو را از آمریکا طلب کند. احتیاجات ونزوئلا از نظر آنها در ظاهر رساندن "دارو و مواد غذایی" به مردم گرسنه ی ونزوئلا است، ولی کیست که نداند احتیاجات اصلی وارد کردن اسلحه و مزدوران حرفه ای به ونزوئلا از طریق کلمبیا، برای براندازی حکومت مادورو است.